

Spring and Summer 2025, 2 (3), 87-99.

Studying the Palestine Issue in Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia (1978-1989)

Sadegh Shafiei¹  | Reza Ramezani² 

1. Corresponding Author, Assistant Professor, Department of Education, Grand Ayatollah Boroujerdi University, BOROUJERD, IRAN. E-mail: sgh.shafiei@gmail.com
2. Assistant Professor, Department of Education, Faculty of Humanities, Grand Ayatollah Boroujerdi University, BOROUJERD, IRAN. E-mail: ramazanireza19@yahoo.com

Article Info	ABSTRACT
<p>Article type: Research</p> <p>Article history: Received: 31 January 2025 Accepted: 21 July 2025 Published online: 6 September 2025</p> <p>Keywords: Islamic Republic, Saudi Arabia, Palestine, Israel, Imam Khomeini.</p>	<p>Saudi Arabia, one of the important neighbors of the Islamic Republic of Iran, has been trying to recognize Israel by supporting the conciliatory measures of the United States. The closeness of the Saudi government and Israel has been one of the most important factors in the tension between the Islamic Republic and Saudi Arabia in the regional arena. In 1978, Saudi Arabia declared the Camp David Accords a great step towards establishing a just peace; but after the victory of the Islamic Revolution, in a passive political turn, it declared that it should resort to jihad for occupied Palestine. Shortly after, the country announced that it was ready for peace with Israel. This research shows how Iran's change in position from supporting Israel during the Pahlavi era to comprehensive support for Palestine after the Islamic Revolution led to the confrontation between Iran and Saudi Arabia. The main focus of this article is to examine the role of Palestine in the confrontation between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia in the years 1978 to 1989, which has been compiled in the form of a library using a descriptive-analytical method and citing historical documents and reliable scientific sources.</p>
<p>Cite this article: Shafiei, Sadegh, Ramezani, Reza, Second. (2025). Studying the Palestine Issue in Relations between the Islamic Republic of Iran and Saudi Arabia (1978-1989). <i>New Researches in the Studies of the History of Islam and Iran</i>, 2 (3), 87-99.</p>	



© The Author(s).

Publisher: Lorestan University.

DOI: <http://doi.org/10.22034/nriihs.2025.2069141.1060>

سال دوم، شماره دوم (پیاپی ۳)، بهار و تابستان ۱۴۰۴، ۸۷-۹۹.

بررسی مسئله فلسطین در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (۱۳۵۷-۱۳۶۸)

صادق شفیعی^۱ | رضا رمضان^۲

۱. استادیار گروه معارف، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران. رایانامه: sgh.shafiei@gmail.com
 ۲. استادیار گروه معارف، دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی، بروجرد، ایران. رایانامه: ramazanireza19@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: ترویجی	عربستان سعودی یکی از همسایگان مهم جمهوری اسلامی ایران با حمایت از اقدامات سازش کارانه ایالات متحده، در تلاش برای به رسمیت شناختن اسرائیل برآمده است. نزدیکی حکومت سعودی و اسرائیل، یکی از مهم ترین عوامل تنش میان جمهوری اسلامی و عربستان در عرصه منطقه‌ای بوده است. عربستان در سال ۱۳۵۷ پیمان «کمپ دیوید» را گامی بزرگ به سوی برقراری صلح عادلانه اعلام کرد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یک چرخش سیاسی منفعلانه اعلام کرد که برای فلسطین اشغال شده باید به جهاد روی آورد. اندکی بعد این کشور اعلام کرد که برای صلح با اسرائیل آماده است. در این پژوهش نشان داده می‌شود که چگونه تغییر موضع ایران در حمایت از اسرائیل در دوره پهلوی، به پشتیبانی همه‌جانبه از فلسطین پس از انقلاب اسلامی موجب تقابل ایران و عربستان شد. بررسی نقش فلسطین در تقابل جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در سال‌های ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۸ محور اصلی این مقاله می‌باشد که با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به اسناد تاریخی و منابع معتبر علمی به شکل کتابخانه‌ای گردآوری شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۲	
پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۴/۳۰	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵	
کلیدواژه‌ها: جمهوری اسلامی، عربستان سعودی، فلسطین، اسرائیل، امام خمینی.	

استناد: شفیعی، صادق، رمضان، رضا (۱۴۰۴). بررسی مسئله فلسطین در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی (۱۳۵۷-۱۳۶۸). پژوهش‌های نوین در مطالعات تاریخ اسلام و ایران، سال دوم، شماره ۲ (۳)، ۸۷-۹۹.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه لرستان.

۱. مقدمه

جمهوری اسلامی ایران و عربستان از لحاظ موقعیت سرزمینی، منابع عظیم نفت و گاز، وسعت جغرافیایی و شرایط مذهبی از کشورهای تأثیرگذار خاورمیانه محسوب می‌شوند. روابط دو کشور پس از تأسیس کشور عربستان فراز و نشیب‌های فراوانی طی کرده است؛ گاهی بسیار دوستانه و گاهی به تیرگی یا قطع ارتباط منجر شده است. در دهه اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و عربستان با چالش‌هایی همراه شد. عواملی مانند مسئله فلسطین، ماهیت ایدئولوژیکی دو کشور، پیروزی انقلاب اسلامی و ترس از صدور آن به عربستان، رقابت در بلوک قدرت و نقش قدرت‌های فرامنطقه‌ای، جنگ تحمیلی و حج ابراهیمی از مهم‌ترین دلایلی است که بر روابط دو کشور سایه انداخته بود.

این مقاله با تمرکز بر دهه اول پس از انقلاب اسلامی، به بررسی جایگاه مسئله فلسطین در روابط ایران و عربستان می‌پردازد. پرسش اصلی این است که چگونه مسئله فلسطین به عاملی برای تقابل ایران و عربستان تبدیل شد و چه تأثیری بر روابط دو کشور گذاشت؟ برای پاسخ به این پرسش، ابتدا مروری بر تاریخچه روابط ایران و اسرائیل در دوره پهلوی و موضع عربستان ارائه می‌شود. سپس تغییر موضع ایران پس از انقلاب و پیامدهای آن بر روابط با عربستان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در ادامه، طرح‌های صلح عربستان از جمله «طرح فهد» و واکنش ایران در برابر این اقدامات مورد واکاوی قرار گرفته و در نهایت، تأثیر این تقابل بر تحولات منطقه‌ای مورد بحث قرار می‌گیرد.

در باب پیشینه تحقیق می‌توان به تحقیقاتی اشاره کرد. مقاله «ایران و اسرائیل از همکاری تا منازعه» (۱۳۹۳) نوشته

شهبازی گزارشی از روابط ایران و اسرائیل از دوره پهلوی تا پیروزی انقلاب اسلامی ارائه می‌دهد. مقاله «روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست‌وزیری از سال ۱۳۲۷ تا سال ۱۳۵۷» (۱۳۸۱) اثر گل محمدی به بررسی روابط ایران و اسرائیل قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌پردازد. مقاله «تأثیر مسئله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سال‌های ۱۳۲۷ الی ۱۳۹۷» (۱۳۹۸) تألیف کشاورزی نیا و همکاران روابط ایران و اسرائیل را تحلیل و نقد کرده است. در این پژوهش اما با استناد بیانات امام خمینی^(ره) و دیگر آثار موجود به تأثیر مسائل فلسطین در روابط ایران و اسرائیل در دهه اول انقلاب اسلامی می‌پردازیم.

۲. آغاز روابط ایران و اسرائیل

روابط اسرائیل و ایران در دوره پهلوی دوم شروع شد. در نخستین سفر محمدرضا شاه به آمریکا در آبان سال ۱۳۲۸ هری ترومن رییس جمهور آمریکا در گفت‌وگو با شاه مسئله روابط ایران و اسرائیل را مطرح کرد. محمدرضا شاه در این سفر متوجه نفوذ زیاد لابی صهیونیست در آمریکا شد و به دلیل آنکه یکی از عناصر اصلی تقویت رابطه با آمریکا، ایجاد ارتباط با اسرائیل عنوان شد، لذا خود را به برقراری ارتباط با اسرائیل ملزم کرد. بنابراین در اسفندماه ۱۳۲۸ دولت ساعد در هنگام فترت تشکیل پارلمان، با اخذ رشوه کلان، به صورت «دوفاکتو»^۱ اسرائیل را به رسمیت شناخت؛ در بیت‌المقدس سرکنسولگری دایر کرد و با آن کشور رابطه سیاسی غیر علنی برقرار نمود (فلاح نژاد، ۱۳۸۱: ۱۲۰). این اقدام دولت ایران در شناسایی دو فاکتوی اسرائیل که بدون در جریان گذاشتن کمیسیون روابط خارجی مجلس انجام گرفته بود، هم در داخل ایران و هم در کشورهای همسایه عربی اعتراض برانگیز شد. همزمان با این اعتراض‌ها، در مجلس

۱. یعنی به صورتی که دو طرف نمی‌توانند سفیر اعزام کنند یا معاهده‌ای امضا نمایند.

آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ۱۳۷۹: ۱/ (۴۳۱).

۳. قطع روابط ایران و اسرائیل

باقر کاظمی وزیر امور خارجه وقت، در جلسه ۱۶ تیر ۱۳۳۰ مجلس شورای ملی در پاسخ سوال حاج آقارضا رفیع در مورد شناسائی اسرائیل اظهار داشت: «دولت ایران تصمیم خودش را اجرا کرد و کنسولگری را که در بیت‌المقدس دایر کرده بود منحل کرد و رسیدگی به کار آنجا را به عمان محول نمود. از این طرف هم دولت مصمم نیست راجع به شناسائی رسمی اسرائیل، اقدام دیگری بکند و نماینده‌ای هم از اسرائیل در ایران قبول نکرده و نخواهد کرد» (مذاکرات جلسه ۱۶۵ دوره شانزدهم مجلس شورای ملی ۱۶ تیر ۱۳۳۰). این اقدام دولت دکتر مصدق، بازتاب گسترده‌ای در پی داشت و یکباره افکار عمومی جهان عرب را به نفع نهضت ملی ایران دگرگون ساخت. روزنامه‌های عربی، مصدق را «زعیم شرق» نامیدند. عبدالرحمان عزام پاشا دبیرکل اتحادیه عرب اظهار داشت: «کلیه دولت‌های عربی، روشی را که دولت ایران در روابط خود با اسرائیل در پیش گرفته است با نظر تحسین و تمجید نگاه می‌کنند» (روزنامه اطلاعات، ۲۳ تیر ۱۳۲۰).

۴. از سرگیری روابط ایران و اسرائیل

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ روابط ایران و اسرائیل که در دوران مصدق قطع شده بود، مجدداً آغاز شد و به مرور زمان، این مناسبات در زمینه‌های مختلف گسترش یافت؛ ابتدا عمده تبادلات صورت گرفته بین ایران و اسرائیل مربوط به معامله سلاح و تجهیزات نظامی بود، اما با گذشت زمان روابط به سطح بالاتری کشیده شد و به بخش‌های دیگر مانند کشاورزی، گردشگری و فرهنگی هم تسری پیدا کرد. شاه همواره سیاستی دوگانه در قبال اسرائیل پیش می‌گرفت. زمانی که در ظاهر خود را مدافع حقوق فلسطینی‌ها نشان می‌داد، در پشت پرده روابط گسترده اقتصادی با اسرائیل داشت.

سنا و مجلس شورای ملی از وزارت امور خارجه برای این اقدام توضیح خواستند؛ اما ساعد که در این زمان دیگر نخست وزیر نبود عضو مجلس سنا شده بود این اقدام خود را توجیه کرد. به دنبال آغاز ارتباط با اسرائیل، مناسبات ایران با جهان عرب تیره شد و حالت خصومت‌آمیزی نسبت به ایران در کشورهای عربی ایجاد گردید. با این حال، دولت عربستان که در زمان ملک سعود در مورد اسرائیل موضع خصمانه‌ای اتخاذ نکرده بود؛ با قدرت گرفتن فیصل بن عبدالعزیز، موضع خود را تغییر داد و عربستان به یکی از مخالفان اسرائیل تبدیل شد (آقائی، ۱۳۶۸: ۱۳۳). به همین جهت میان ایران و عربستان اختلاف نظر سیاسی به وجود آمد (عصام، ۱۴۲۷ق: ۳۲).

۱۱ تیرماه ۱۳۳۰ گزارش

مامورین گزارش می‌دهد طبق اطلاع حاصله اخیر آمده‌ای از

روحانین تهران و چند نفر از نمایندگان دولت اسلامی (پاکستان

و عراق) در منزل کاشانی حضور یافته و پس از مذاکرات زیاد

و تبادل انکار ترار شده راجع به تجدید نظر در مورد شناسائی

دولت یهود اقدامات مؤثری بعمل آید فعلاً از دولت اسرائیل

جدا خواستار شوند که در این موضوع تجدید نظرنامه به

کاشانی

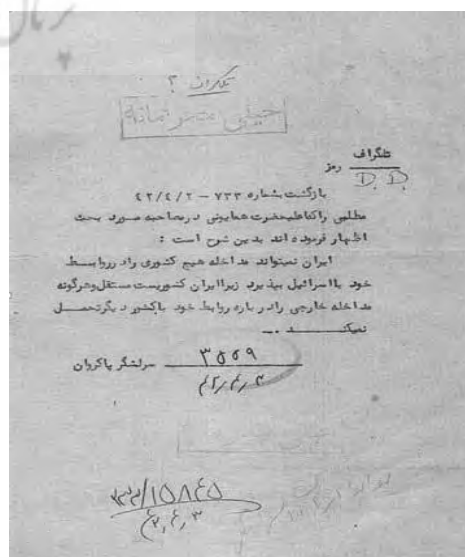
سید

مرکز بررسی اسناد تاریخی
historydocuments.ir

طبق سند فوق، پانزده ماه بعد در اوایل نخست‌وزیری دکتر مصدق، از جانب نمایندگان مانند آیت‌الله کاشانی اعتراض‌هایی به این قضیه صورت گرفت (روحانی مبارز

زمانی که کشورهای نفت خیز عربی، اسرائیل را در تحریم اقتصادی قرار دادند، ایران به عنوان یکی از بزرگترین صادر کنندگان نفتی همکاری‌های اقتصادی و نفتی خود را با اسرائیل آغاز نمود. به گونه‌ای که در دو جنگ ۱۹۷۳م و ۱۹۶۷م بیش از ۹۰ درصد احتیاج نفت اسرائیل توسط ایران تأمین می‌شد. محمدرضا شاه در پاسخ به خبرنگاری در این موضوع گفت: «در صورت شروع جنگ بین اعراب و اسرائیل، او طرف اسرائیل را خواهد گرفت» (فرمانفرمایان، ۱۳۷۷: ۵۱۶). در بهار ۱۳۳۷ از طرف موساد شخصی به اسم منیر عزری برای تعمیق روابط با تهران وارد کشور شد. او اولین سفیر اسرائیل در تهران بود. مهم‌ترین مأموریت عزری در تهران، خروج رژیم صهیونیستی از انزوای ایجاد شده توسط اعراب بود. عزری تا سال ۱۳۵۲ در تهران بود و تلاش‌های بسیاری در جهت تعمیق روابط امنیتی و اطلاعاتی ایران و اسرائیل صورت داد. در سند ذیل به تاریخ ۲۳ خرداد ۱۳۵۲، منیر عزری در مراسم تودیع خود، پس از پانزده سال حضور در ایران، از حسن روابط ایران و اسرائیل ابراز خشنودی کرده است. منیر عزری در مورد این خدمت شاه می‌گوید: «قریب به ۱۵ سال است که در ایران انجام وظیفه می‌نمایم و بیا یک یک آقاییان آشنا و به روحیات همگی وارد هستم و در عرض این مدت که در ایران بوده‌ام، روابط ایران و اسرائیل بسیار خوب و حسنه بوده و شاهنشاه آریامهر کمک‌های زیادی به اسرائیل نموده‌اند» (کتاب بدون شرح به روایت اسناد ساواک - کتاب دوم صفحه ۵۱).

سازمان سیا در مورد انگیزه اسرائیل برای برقراری رابطه با ایران می‌گوید: «انگیزه اصلی روابط اسرائیل با ایران در سال‌های اولیه تأسیس، توسعه یک تفکر حامی اسرائیل و ضد عرب در میان برخی از صاحب‌منصبان ایرانی بوده است». با گسترش مناسبات ایران و اسرائیل، دولت‌های عربی اعتراض‌های متعددی به ایران کردند و حتی محمدرضا شاه را برای قطع رابطه با اسرائیل تحت فشار قرار دادند. به دنبال این ماجرا، جمال عبد الناصر رئیس‌جمهور مصر در سال ۱۳۳۹ با ایران قطع رابطه نمود؛ اما عربستان سعودی به دلیل ترس از گسترش پان عربیسم چپ‌گرایانه ناصری این سیاست مصر را مردود تلقی کرد. عربستان تلاش کرد ضمن مخالفت با از سرگیری روابط ایران و اسرائیل، رابطه خود را با رژیم شاه حفظ کند و از طرف دیگر، دولت ایران را به سمت حمایت از کشورهای عرب در برابر اسرائیل سوق دهد. در واقع دو کشور ایران و عربستان سعی نمودند موضوع اسرائیل لطمه‌ای به روابط دوستانه دو کشور وارد نکند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۲۵). با این وجود، شاه دخالت هر کشوری در روابط خود با اسرائیل را مورد سرزنش قرار می‌داد. سند ذیل نشان می‌دهد که محمدرضا پهلوی دخالت دیگر کشورها در روابط خود با اسرائیل را رد می‌کند.



۴- جبران زیان مالی آن دسته از فلسطینی‌ها که خواستار بازگشت نیستند.

۵- کنترل سازمان ملل بر ساحل غربی و نوارغزه پس از انتقال نیروهای رژیم صهیونیستی.

۶- تأسیس دولت فلسطینی در ساحل غربی رود اردن و نوارغزه.

۷- شناسایی حق حاکمیت تمام کشورهای منطقه در صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز.

۸- تضمین اجرای موارد طرح از سوی سازمان ملل متحد یا برخی از اعضای آن سازمان (علی بابایی، ۱۳۷۴: ۴۳۸/۲).

براساس ماده ۷ این طرح، رژیم صهیونیستی به رسمیت شناخته می‌شود. اعلام طرح ۸ ماده‌ای ملک فهد، انتقاد صریح و بی‌پرده مردم ایران و راهپیمایی عظیم و گسترده در مخالفت با آن را در پی داشت و موجب تیره‌تر شدن روابط دو کشور گردید. علاوه بر مردم ایران، هزاران تن از مردم مسلمان بیروت در حالی که تصاویری از امام خمینی^(ع) را در دست داشتند، ضمن یک تظاهرات پرشور نسبت به این طرح اعتراض کرده و اعلام داشتند فلسطین هرگز به دست رژیم‌های جابر متکی به نفت آزاد نمی‌شود، بلکه بازوان توفنای مومن و مجاهد آن را آزاد خواهند کرد. سازمان‌های فلسطینی حاضر در لبنان طی اطلاعیه‌ای طرح عربستان سعودی را محکوم کرده و آن را خیانت بزرگ ملک فهد خواندند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۸/۷). امام خمینی^(ع) به این قبیل اقدامات عربستان واکنش نشان دادند و فرمودند:

«درست در زمینی که جمهوری اسلامی برای حفظ سرزمین‌های اسلامی و حراست از حریم شریفین، مسلمانان را به وحدت اسلامی دعوت می‌کند و با للمسلمین می‌گوید، از مرکز وحی برای خنثی نمودن این فریاد پیشنهاد جهاد علیه این دعوت را کرده و به نفع آمریکا دشمن اسلام و اسرائیل که برای گرفتن از فرات تا نیل و سلطه بر حریم

مقاطعه‌کار اسرائیلی می‌شد (تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۹: ۲۷۴). سازمان آزادی‌بخش فلسطین از انقلاب اسلامی در ایران حمایت کرد و چند روز پس از انقلاب، یاسر عرفات رئیس سازمان آزادی‌بخش فلسطین به رهبری یک هیأت فلسطینی به ایران آمد. هیأت فلسطینی مورد استقبال عمومی واقع شد و به صورت نمادین کلید سفارت سابق اسرائیل در تهران به آن‌ها تحویل داده شد که بعدها به سفارت فلسطین تبدیل شد. امام خمینی^(ع) اعتقاد داشتند «اسرائیل غده سرطانیست و باید نابود شود» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۱۰۹/۱۵).

این در حالی بود که عربستان همیشه با حمایت از اقدامات سازش کارانه و هم سو با خط مشی آمریکا، سعی در به رسمیت شناختن اسرائیل داشت. پیامد سازش برخی کشورهای عربی مانند عربستان با رژیم صهیونیستی، تشدید جنایات جنگی صهیونیست‌ها در فلسطین بود. به عنوان مثال، ملک فهد ولیعهد وقت عربستان سعودی، در سال ۱۳۵۷ «کمپ دیوید» را گامی بزرگ به سوی برقراری صلح عادلانه توصیف کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه بعد از کنفرانس قدس در تهران در یک چرخش سیاسی منفعلانه اعلام کرد که برای فلسطین اشغال شده باید به جهاد مقدس روی آورد. اندکی بعد به خاطر وابستگی به امپریالیسم و صهیونیسم روشن ساخت که کشورش برای صلح با اسرائیل آماده است (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۲۵۳). عربستان سعودی در آبان ۱۳۶۰ ش طرح هشت ماده‌ای خود را ارائه کرد. این طرح شامل موارد ذیل است:

۱- عقب نشینی اسرائیل از اراضی اشغالی سال ۱۹۶۷م.

۲- از میان بردن آبادی‌های یهودی نشین در مناطق اشغالی

۳- تضمین آزادی مراسم مذهبی در اماکن مقدسه برای پیروان تمام مذاهب.

۱۹۶۷م.

۳- تضمین آزادی مراسم مذهبی در اماکن مقدسه برای پیروان تمام مذاهب.

شریفین کوشش می‌نماید، سینه چاک می‌زنند» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۱۸۰/۱۶). سرانجام طرح فهد به علت زیاده خواهی‌های اسرائیل و با مخالفت مسلمانان بعضی از دولت‌های اسلامی به شکست انجامید. پس از اعلام این طرح از سوی فهد و به منظور جلوگیری از شکست کامل سیاست عربستان در راه به رسمیت شناختن اسرائیل، مقامات تل‌آویو خواهان مذاکره مستقیم با عربستان شدند. در این میان مناخیم بگین نخست وزیر اسرائیل طی مصاحبه‌ای تأیید کرد که طرح ۸ ماده‌ای ملک فهد روحیه مبارزه‌جویی علیه اسرائیل را تعدیل کرده است (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۶۰/۸/۷). روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از مجله الکفاح العربی در تاریخ ۸ آذر ۱۳۶۰ و به نقل از منابع فلسطینی نوشت: «طرح فهد حاوی یک تبصره سری درباره سازمان فلسطین است که می‌گوید دولت حق داشتن سلاح را تا مدت ۲۰ سال نخواهد داشت و این مسئله با نظارت سازمان ملل صورت می‌گیرد. پادشاهی سعودی اخیراً از فرانسه درخواست کرده که طرح فهد را در شورای امنیت در ماه آینده مطرح کند و دولت فرانسه نیز آمادگی خود را جهت این امر اعلام کرده است» (جمهوری اسلامی، ۸/۸/۱۳۶۰).

«اجلاس فاس» طرح دیگری بود که در سال ۱۹۸۲/۱۳۶۱م در شهر فاس مراکش، با حضور سران بیست و یک کشور عربی از جمله عربستان جهت حل مسئله فلسطین برگزار شد. این اجلاس که به دعوت ملک حسن پادشاه وقت مراکش صورت گرفت، شامل بندهایی چون، عقب نشینی اسرائیل از همه سرزمین‌های اشغالی عرب در ۱۹۶۷م، تخلیه مناطق یهودی نشین ساخته شده پس از جنگ ۱۹۶۷م، تضمین آزادی انجام فریض دینی برای پیروان همه ادیان در بیت المقدس، برخورداری مردم فلسطین در حق تعیین سرنوشت خود در پرتو حاکمیت ساف، به عنوان تنها نماینده

قانونی مردم فلسطین، نظارت و کنترل سازمان ملل متحد بر کرانه باختری رود اردن و نوار غزه برای یک دوره انتقالی چند ماهه و سپس تأسیس یک دولت مستقل فلسطینی به مرکزیت قدس و تضمین برقراری و تداوم صلح و اجرای مواد فوق از سوی شورای امنیت بوده است. این طرح که چندان تفاوتی با طرح ملک فهد نداشت، پس از ساعت‌ها مذاکره، نتیجه‌ای در برنداشت سرانجام به شکست انجامید (الغنوشی، ۱۳۷۰: ۴۷). وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی با انتشار اطلاعیه‌ای شکست کنفرانس فاس را یک پیروزی بزرگ برای امت اسلام و رزمندگان سازش ناپذیر فلسطین و عقب نشینی مفتضحانه‌ای برای سران وابسته تلقی کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۰/۸/۷).

عربستان در توافق دیگری موسم به «غزه - اریحا» که می‌توان به آن لقب کمپ دیوید دوم را اعطا کرد موضع‌گیری مثبتی داشت. براساس این توافق یک خودگردانی محدود اداری در غزه و شهرک اریحا در کرانه باختری داده می‌شد، اما بیشتر مزایای این طرح به نفع اسرائیل بود که ضمن استقرار شهرک‌های یهودی نشین، امنیت منطقه را تحت تسلط خود داشت. عربستان نهایت پشتیبانی خود را از جنبه مالی و سیاسی برای استحکام این طرح ابراز داشت (زراعت پیشه، ۱۳۸۴: ۲۵۴) و در ۱۷ خرداد ۱۳۶۰/۱۹۸۱م که هشت جنگنده اف ۱۶ با حمایت شش جنگنده اف ۱۵ اسرائیلی، طی عملیات «اپرا» از شمال خاک عربستان وارد کشور عراق شدند و راکتور هسته‌ای اوسیراک عراق را که تقریباً تکمیل شده بود، ویران کردند هیچ واکنشی نشان نداد. این خود نشان دهنده عدم تضاد منافع اسرائیل و عربستان و انطباق مصالح دو کشور بود (کیانی موحد، ۱۳۹۴: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی). به نظر می‌آید مقاومت اسلامی در فلسطین نتیجه راهبردی است که جمهوری اسلامی ایران درباره فلسطین اتخاذ نموده بود. امام خمینی (ره)

به عمل عبادی حج نباشد همه‌اش بدعت است و باید نباشد و این کتک‌هایی که حجاج ما خوردند و آن حبس‌هایی که کشیدند و آن اهانت‌هایی که شدند همه‌شان، روی این قضیه بود که در حج نباید اسم اسرائیل بیاید. مراسم حج همین است؟ این بر خلاف سنت رسول الله است. اگر این طور است، چرا یک روز را برای این قرار دادید آن هم با این بی‌محتوایی؟ فقط یک کلمه‌ای که خدا مسلمین را چه بکند، خدا شرّ که را... همین و تمام شد (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۵۳/۱۷). ایشان در جای دیگر می‌فرمایند:

«مسلمانان نمی‌دانند این درد را به کجا ببرند که آل سعود و خادم‌الحریمین به اسرائیل اطمینان می‌دهد که ما اسلحه خودمان را علیه شما به کار نمی‌بریم و برای اثبات حرف خود با ایران قطع رابطه می‌کنند. واقعاً چقدر باید رابطه سران کشورهای اسلامی با صهیونیست‌ها گرم و صمیمی شود تا در کنفرانس سران کشورهای اسلامی مبارزه صوری و ظاهری هم با اسرائیل از دستور کار آنان و جلسات آنان خارج شود. اگر این‌ها یک جو غیرت و حمیت اسلامی و عربی داشتند، حاضر به یک چنین معامله کثیف سیاسی و خودفروشی و وطن‌فروشی نمی‌شدند» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۲۳۲/۲۰).

امام خمینی^(ع) پس از ناامیدی از سران وابسته و خائن کشورهای اسلامی در مبارزه با اسرائیل سعی در بیدار نمودن و به صحنه کشاندن امت اسلام داشتند. ایشان بهترین ابزار برای آگاه‌سازی امت اسلامی را مراسم حج می‌دانستند. در باور امام، احیای حج ابراهیمی و توجه به فلسفه واقعی حج که در قرآن مجید «قیام للناس» نامیده شده است و تأکید بر مراسم برائت از مشرکین به عنوان جزئی تفکیک ناپذیر از روح حج واقعی و مناسک آن، نمونه‌ای دیگر از قابلیت‌های جهان اسلام است که براساس آن هر گاه کنگره جهانی حج که مرکز توجه و تجمع میلیون‌ها نفر از مسلمین جهان از همه مذاهب است، فلسفه واقعی خویش را باز یابد

از همه امکاناتی که در اختیار داشتند برای وحدت جهان اسلام در راستای نجات فلسطین بهره بردند. حتی طرح استفاده از نفت به عنوان ابزاری باز دارنده در مقابل اسرائیل را مطرح کردند که مورد پذیرش کشورهای نفت خیز مانند عربستان قرار نگرفت. از اقدامات دیگر امام توجه ویژه به موضوع فلسطین در مناسک حج آن هم به روش‌های مختلف بود. امام خمینی^(ع) درباره مبارزه با اسرائیل فرمودند: «امروز قبله اول مسلمین، به دست اسرائیل این غده سرطانی خاورمیانه افتاده است، امروز برادران فلسطینی و لبنانی عزیز ما را با تمام قدرت می‌کوبد و به خاک و خون می‌کشد، امروز اسرائیل با تمام وسایل شیطانی تفرقه افکنی می‌کند، بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۲۲۶/۹). امام همچنین در دیدار وزیر ارشاد اسلامی، مسئولان سازمان حج و زیارت و سرپرست حجاج ایرانی در ۱۳۶۲/۵/۲۶ خطر اسرائیل را به سران سازش کار اسلامی گوشزد کرده و از سستی آنان انتقاد کرد و فرمود: «نگ نیست بر کشورهای اسلامی بر حکومت‌های کشورهای اسلامی که اسرائیل بیاید و فلسطینی‌ها را آن طور کند؟ در لبنان آن جنایت‌ها را بکند و یک میلیارد جمعیت مسلمین بنشینند تماشاچی باشند؟ از چی می‌ترسند این‌ها؟ چرا باید این قدر بی‌عرضه باشند؟ شریان حیات شرق و غرب در دست این‌ها است، نفت شریان حیات این‌ها است. اگر ده روز نفت را به روی آن‌ها ببندند خاضع می‌شوند آن‌ها. در عین حالی که این شریان در دست حکومت‌های به اصطلاح اسلامی است، در عین حال تقدیم می‌کنند و التماس هم می‌کنند. این مصیبت نیست؟» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۶۹/۱۸). ایشان حمایت سعودی‌ها از اسرائیل را به باد انتقاد گرفتند و در این باره فرمودند: «...اولاً، ما سؤال می‌کنیم از آن‌ها که شما که حرام می‌دانید این‌ها را، شما که جلوی تمام چیزها را گرفتید که راجع به هر چیزی که مربوط

و به کانونی جهت شناخت مشکلات جهان اسلام و افشای طرح‌های دشمنان اسلام تبدیل شود، یقیناً مسئله فلسطین و اشغال اراضی مسلمین توسط صهیونیست‌ها به عنوان یکی از اساسی‌ترین دردهای جهان اسلام در صدر مسائل قرار خواهد گرفت. به اعتقاد امام از طریق کنگره حج می‌توان حمایت و همدلی مسلمین عالم را پدید آورد و امکانات دنیای اسلام را برای حل ریشه‌ای این زخم کهنه بسیج نمود. در نتیجه، ایشان همواره در پیام‌های حج به مسئله فلسطین می‌پرداختند. امام خمینی^(ره) در پیام سال ۱۳۶۶ خطاب به حجاج فرمودند:

«... فریاد برلث ما، فریاد برلث مردم لبنان و فلسطین و همه ملت‌ها و کشورهای دیگری است که ابرقدرت‌های شرق و غرب، خصوصاً آمریکا و اسرائیل به آنان چشم طمع دوخته اند و سرمایه آنان را به غارت برده اند... ملت‌های مسلمان باید به فکر نجات فلسطین باشند و مراتب انزجار و تفرخ خویش را از سازشکاری و مصالحه رهبران ننگین و خود فروخته‌ای که به نام فلسطین، آرمان مردم سرزمین‌های غصب شده و مسلمانان این خطه را به تباهی کشیده‌اند به دنیا اعلام و نگذارند این خانتان بر سر میز مذاکره‌ها و رفت و آمدها، حیثیت و اعتبار و شرافت ملت قهرمان فلسطین [را] خدشه دار کنند که این انقلابی‌نماهای کم شخصیت و خود فروخته به اسم آزادی قدس به آمریکا و اسرائیل متوسل شده اند... مجدداً خطر فراگیری غده چرکین و سرطانی صهیونیسم را در کالبد کشورهای اسلامی گوشزد می‌کنم» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۱۱۳/۲۰).

در واقع انتفاضه فلسطین میوه‌ای بود که حضرت امام در مراسم حج و براءت از کفار بذر آن را به خوبی کاشتند. قیام اسلامی مردم فلسطین نشانه‌ای است بر این واقعیت که پیام امام و نهضت او به مخاطبان اصلی آن رسیده است؛ چراکه کمتر از دو ماه از کشتار حجاج ایرانی در مکه نگذشته بود که

انتفاضه اول فلسطین آغاز شد. امام خمینی^(ره) در پیام سال ۱۳۶۷ که به مناسبت کشتار حجاج صادر شده بود، خیزش مردم فلسطین در برابر صهیونیست‌ها - انتفاضه اول - را نتیجه حادثه مکه و صدور آثار و برکات معنویت انقلاب اسلامی ایران به جهان دانستند و در این باره فرمودند:

«... حادثه مکه منشأ تحولات بزرگی در جهان اسلام و زمینه‌مناسبی برای ریشه‌کن شدن نظام‌های فاسد کشورهای اسلامی و طرد روحانی‌نماها خواهد بود و با این‌که بیشتر از یک سال از حماسه براءت از مشرکان نگذشته است، عطر خون‌های پاک شهدای عزیز ما در تمامی جهان پیچیده و اثرات آن را در اقصا نقاط عالم مشاهده می‌کنیم. حماسه مردم فلسطین یک پدیده تصادفی نیست. آیا دنیا تصور می‌کند که این حماسه را چه کسانی سروده‌اند و هم اکنون مردم فلسطین به چه آرمانی تکیه کرده‌اند که بی‌محایا و با دست خالی در برابر حملات وحشیانه صهیونیست‌ها مقاومت می‌کنند؟... شکی نیست که این آوای «الله اکبر» است، این همان فریاد ملت ما است که در ایران شاه را و در بیت المقدس غاصبین را به نومیدی کشاند...» (صحیفه نور، ۱۳۷۰: ۲۲۴/۲۰). حضرت امام بهترین شیوه را به مردم فلسطین برای مبارزه آموختند، استفاده از خود مردم و به صحنه آمدن آن‌ها مهم‌ترین اصلی است که در هر شرایطی، برگ برنده را به دست فلسطینی‌ها می‌داد. به عبارتی حضرت امام به آن‌ها آموختند که مظلوم باید برای احقاق حق خود فریاد بزند؛ زیرا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی اعتماد به نفس در میان مسلمانان، به ویژه در قشر تحصیل‌کرده از بین رفته و شمار فراوانی از آنان، خواهان هضم شدن در هویت جهانی بوده و گذشته خود را به فراموشی سپرده بودند و اگر توجهی به گذشته می‌کردند از باب تفنن و سرگرمی بود؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی آن اعتماد به نفسی که روزگاری پشتوانه تمدن بزرگ اسلامی بود، احیا و بارور شد

نوار غزه فعال شد. ظهور امام خمینی^(ع) به روی روشنفکران فلسطینی مؤثر واقع شد و سبب گردید که آن‌ها در جست و جوی راه‌هایی برای اعمال تعلیمات امام خمینی^(ع) در صحنه فلسطین برآیند. به بیان دیگر، انقلاب اسلامی، حدود ۱/۵ میلیارد مسلمان را بر انگیزخته و آنان را برای تشکیل حکومت «الله» در زمین به حرکت درآورد (ابوطه، ۱۳۷۹: صص ۸۰-۹۸). امام خمینی^(ع) آخرین جمعه ماه مبارک رمضان را به عنوان روز جهانی قدس نامگذاری کردند تا مرحله جدیدی در همبستگی با مسئله فلسطین و مبارزه ملت فلسطین در سایه بیداری ملت‌های مسلمان و آزادی‌خواه در منطقه و جهان در برابر صهیونیست‌ها و استکبار جهانی آغاز شود. مخالفت علنی جمهوری اسلامی با طرح‌های آشتی اعراب و اسرائیل، آخرین تلاش صهیونیست‌ها را در به سازش کشاندن جهان اسلام به شکست کشانده است. این حقیقتی است که آینده فلسطین به پشتیبانی جمهوری اسلامی از آن، وابسته است. چنان که یکی از رهبران جهاد اسلامی دکتر ابولؤلؤ در این باره می‌گوید: «در حقیقت، ایران مسلمانان دیگر را زنده کرد. فلسطینی‌ها همواره به ایران نگاه می‌کنند و ایران اراده مستضعفان است. ایران قدرت اسلامی را در جان‌های مسلمانان بیدار کرد. پیروزی انقلاب اسلامی عامل عمده‌ای در تشکیل سازمان جهاد اسلامی فلسطین و پیدایش انتفاضه بود که نیروی ایمان را در درون مسلمانان زنده کرد» (سلیمانی، ۱۳۷۹: ۲۶۴؛ بی‌نا، ۱۳۹۰: ۳/۲-۴۸). فعالیت‌ها و حمایت جمهوری اسلامی ایران از فلسطین در موسم حج از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. بسیاری از برنامه‌های تبلیغی بعثه امام خمینی^(ع) سبب آگاهی حجاج و زائرین جهان اسلام نسبت به اهمیت مسئله فلسطین و ابراز خطر برای جهان اسلام از ناحیه اسرائیل بوده است. در این زمان حجاج فلسطینی علاوه بر حضور پرشور در راهپیمایی‌های برائت از مشرکین و سایر برنامه‌های تبلیغی

(جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۳۶/۵). این تجدید حیات اسلام، آثار مختلفی را برای جنبش‌های اسلامی به ارمغان آورد. یکی از این آثار، انتخاب اسلام به عنوان بهترین و کامل‌ترین شیوه مبارزه است. سخنگوی جهاد اسلامی فلسطین در ملاقات با امام خمینی^(ع) در این باره گفت: «انتفاضه، بارقه‌ای از نور و بازتابی از پیروزی‌های بزرگ انقلاب شما است؛ انقلابی که بزرگ‌ترین تحول را در عصر ما به وجود آورد» (کرهودی، ۱۳۸۰: ۱۹۹). در حالی که قبل از آن، اسلام در صحنه مبارزه علیه اسرائیل نقش چندانی نداشت (کدیور، ۱۳۷۲: ۱۰۸). چنین رویکردی به معنای کنار گذاشتن اندیشه‌های غیر مذهبی به ویژه ناسیونالیسم، لیبرالیسم و کمونیسم و دور ریختن اندیشه جبری بودن سرنوشت انسان بود که همگی در نجات ملل اسلامی از چنگال استبداد داخلی و خارجی ناتوان بودند. به عقیده شیخ عبدالله شامی، یکی از رهبران مبارز فلسطینی پس از انقلاب اسلامی ایران، مردم فلسطین دریافتند که برای آزادی، به قرآن و تفنگ نیاز دارند. این در حالی است که برای چند دهه، مشی حرکت‌های انقلابی، اغلب در اختیار گروه‌های مارکسیستی بود. به هر روی، انقلاب اسلامی، تأکید بر بعد سیاسی اسلام داشت و از آن پس، در برخی از کشورها سازمان‌های مخفی شکل گرفت و مبارزه مسلحانه بر پایه اسلام ساماندهی شد (جعفریان، ۱۳۷۸: ۲۳۷/۵-۲۴۷). روی آوردن به مبارزه براساس اسلام، تنها نتیجه تجدید حیات اسلام که آن را برخی اصول‌گرایی یا بنیادگرایی اسلامی می‌نامند، نیست؛ بلکه در گرایش جدید، برداشت نوین و تازه‌ای از اسلام صورت گرفت که در آن مسلمین به ایستادگی و مقاومت برای نیل به حقوق خویش تشویق شده‌اند (جمشیدی ۱۳۷۴: ۳۹۱/۲-۳۹۴). فتحی شقاقی، دبیر کل شهید جنبش جهاد اسلامی فلسطین می‌نویسد: «بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، نخستین مرکز جهاد اسلامی فلسطین در

پنهانی با اسرائیل پرداخته و با ایجاد اتحاد عبری-عربی، ایران را دشمن مشترک تل‌آویو و ریاض قلمداد کرده است. اسرائیل به سبب عدم موفقیت در برقراری رابطه دوستانه با جمهوری اسلامی سعی کرد ایران را در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی منزوی سازد.

اسرائیل دارای نفوذ بسیاری در بازارهای مالی و همچنین رسانه‌های مهم دنیا می‌باشد و از سوی دیگر لابی صهیونیستی با نفوذ زیادی که در نهادهای تصمیم‌گیری در ایالات متحده دارد، توان تهاجمی بسیار بالایی را به رژیم صهیونیستی برای جنگ نرم داده است. قسمت اعظم تحریم‌هایی که در این سال‌ها از سوی آمریکا علیه ایران اعمال شده است و تبلیغات رسانه‌ای که درباره ایران از رسانه‌های مهم دنیا پخش می‌شود، از سوی صهیونیست‌ها طراحی شده است. رژیم صهیونیستی در دو مرحله خود را برای حمله به ایران آماده کرده است: یکی در بُعد نرم افزاری، جنگ نرم و جنگ روانی که از طریق رسانه‌ها صورت می‌گیرد و هم اکنون نیز ادامه دارد. دیگری کسب آمادگی نظامی جهت رویارویی نظامی با ایران در فرصت مناسب.

۶. نتیجه‌گیری

مقاومت اسلامی در فلسطین محصول راهبردی است که جمهوری اسلامی ایران درباره فلسطین اتخاذ کرده بود. حضرت امام^(ع) از همه توانمندی‌هایی که در اختیار داشتند برای وحدت مسلمانان در راستای نجات فلسطین استفاده کردند. ایشان بارها پیشنهاد استفاده از نفت به عنوان سلاحی بازدارنده در برابر اسرائیل را مطرح نمودند که هیچ‌گاه مورد استقبال کشورهای تولیدکننده نفت مانند عربستان واقع نشد. از اقدامات دیگر امام توجه ویژه به موضوع فلسطین در مناسک حج آن هم به روش‌های مختلف از جمله طی پیام‌هایی که برای حاجیان صادر می‌نمودند، بوده است. اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان توسط امام

جمهوری اسلامی با مراجعه به بعثه امام خمینی^(ع) و ستادهای جمهوری اسلامی ایران در عربستان، خواستار دریافت کتاب، اعلامیه و عکس‌های حضرت امام^(ع) شدند. در واقعه جمعه خونین سال ۱۳۶۶ همه هتل‌ها و ساختمان‌های اطراف، به دستور سعودی‌ها بسته شدند تا کسی در این مکان‌ها پناه نگیرد. اما در هتل و ساختمانی که فلسطینی‌ها در آن بودند، عده‌ای از ایرانیان توانستند جان خود را نجات دهند. این موضوع نشان دهنده همبستگی و دلبستگی حجاج فلسطینی با حجاج ایرانی می‌باشد.

آینده فلسطین در گرو بالندگی انقلاب اسلامی، به عنوان تنها گزینه‌های مسلمانان از سلطه گران جهانی، به ویژه آمریکا است. حال که انتفاضه مردم فلسطین موجودیت رژیم صهیونیستی را نشانه رفته و چهره واقعی اسرائیل را بر ملا نموده و حیات دوباره‌ای در روح و کالبد مسلمانان فلسطینی دمیده است. باید عرصه را بر دشمنان اسلام تنگ‌تر کرد و در انتظار رهایی سرزمین مظلوم فلسطین از چنگال صهیونیست‌ها بود. با این حال، از منظر عربستان سعودی، اقدامات ایران گواهی روشن از مداخله در امور عرب‌ها است؛ زیرا ایرانی‌ها و فلسطینی‌ها نه تنها به یک زبان واحد سخن نمی‌گویند، بلکه ایرانیان در هیچ نبردی بر ضد اسرائیل شرکت نکرده و زبان چنین جنگی را متحمل نشده‌اند. واضح است که اسرائیل در تلاش است تا عربستان را به آغاز روابط آشکار با خود وادار نماید. فشار لابی صهیونیستی علیه عربستان در آمریکا احتمالاً با این مقصود صورت می‌پذیرد که دولت سعودی راه هم‌گرایی با اسرائیل را به عنوان ابزار رهایی از خطر ایران پیشه کند. در صورتی که چنین اتفاقی رخ دهد، سعودی در واقع بزرگ‌ترین هدیه را تقدیم ایران و محور مقاومت خواهد کرد و میزان خطرات داخلی و خارجی علیه خود را افزایش خواهد داد. در عمل دولت سعودی به علت فشار و همسویی با غرب به ویژه آمریکا، به ایجاد روابط

- روحانی مبارز/ آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به روایت اسناد، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹.
- روزنامه *اطلاعات*، ۱۳۲۰/۴/۲۳؛ ۱۳۶۰/۸/۷.
- روزنامه *جمهوری اسلامی*، ۱۳۶۰/۸/۷؛ ۱۳۶۰/۸/۸.
- زراعت پیشه، نجف، برآورد استراتژیک عربستان سعودی، تهران: مؤسسه فرهنگی ابرار معاصر، ۱۳۸۴.
- سلیمانی، محمد باقر، بازیگران روند صلح خاورمیانه، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۷۹.
- شهبازی، الهام، «ایران و عربستان از همکاری تا منازعه»، فصلنامه خردنامه، سال چهارم، ش ۱۲، ۱۳۹۳.
- علی‌بابایی، غلامرضا، فرهنگ تاریخی - سیاسی ایران و خاورمیانه، ج ۴، تهران: رسا، ۱۳۷۴.
- فرمانفرمایان، منوچهر و رخسان فرمانفرمایان، خون و نفت، خاطرات يك شاهزاده ایرانی، ترجمه مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۷۷.
- فلاح‌نژاد، علی، مناسبات ایران و اسرائیل در دوره پهلوی دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- کدیور، جمیله، رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲.
- کشاورزی نیا، علیرضا، «تأثیر مسئله فلسطین در روابط سیاسی ایران و اسرائیل در طی سال‌های ۱۳۲۷ الی ۱۳۹۷»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره نهم، ش ۴، ۱۳۷۹.
- کیانی موحد، رضا، پایگاه اینترنتی مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، عملیات اپرا یا حمله اسرائیل به تاسیسات هسته‌ای عراق، ۱۳۹۴.
- کرهرودی، حسین، «انتفاضه فلسطین؛ مولود اصول‌گرایی اسلامی معاصر»، فصلنامه علوم سیاسی، سال چهارم، ش ۱۴، ۱۳۸۰.
- گل محمدی، احمد، «روابط ایران و اسرائیل به روایت اسناد نخست‌وزیری از سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۵۷»، فصلنامه حقوق عمومی، دوره چهارم، ش ۶، ۱۳۸۱.
- مشروح مذاکرات مجلس سنا، دوره ۱، جلسه ۱۸، شنبه ۳۰ اردیبهشت، ۱۳۲۹.
- صحیفه نور، تهران: وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.
- عصام، عبدالحمید، العلاقات السعودية الایرانية ۱۹۸۲-۱۹۹۷، قاهره: دارالعین، ۱۴۲۷.

خمینی^(ه) به عنوان روز قدس در راستای حرکت عملی جهت حمایت از مردم فلسطین بوده است.

عربستان با حمایت از اقدامات سازش‌کارانه و هم سو با خط مشی آمریکا، در تلاش برای به رسمیت شناختن اسرائیل بوده است. ملک فهد ولیعهد وقت عربستان سعودی، در سال ۱۳۵۷ «کمپ دیوید» را گامی بزرگ به سوی برقراری صلح عادلانه توصیف کرد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی به ویژه بعد از کنفرانس قدس در تهران، عربستان سعودی در یک چرخش سیاسی منفعلانه اعلام کرد که برای فلسطین اشغال شده باید به جهاد مقدس روی آورد؛ اندکی بعد دولت سعودی به خاطر وابستگی به امپریالیسم و صهیونیسم در طرح هشت ماده‌ای فهد و «اجلاس فاس» در مراکش روشن ساخت که کشورش برای صلح با اسرائیل آماده است.

کتابنامه

- آقائی، داود، سیاست و حکومت در عربستان سعودی، تهران: کتاب سیاسی، ۱۳۶۸.
- احمدی، حمید، روابط ایران و عربستان در سده بیستم، تهران: وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸.
- ابوطه، انور، «تأثیر امام خمینی رحمه‌الله و انقلاب اسلامی در اندیشه و عملکرد جنبش جهاد اسلامی»، ترجمه مهدی سرحدی، فصلنامه حضور، ش ۳۳، ۱۳۷۹.
- اسناد برگزیده موجود در مرکز اسناد شهید باهنر ریاست جمهوری، سند شماره ۱۷/۴.
- الغنوشی، راشد، مسئله فلسطین و ماهیت طرح صهیونیسم، ترجمه سید هادی خسروشاهی، قم: فرانشر، ۱۳۷۰.
- تقویم تاریخ انقلاب اسلامی، ج ۹، تهران: سروش، ۱۳۶۹.
- جعفریان، رسول، مقالات تاریخی، ج ۵، قم: الهادی، ۱۳۷۸.
- جمشیدی، محمدحسین، «ارتباط متقابل انقلاب اسلامی ایران و جنبش شیعیان عراق»، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ج ۲، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۴.
- دستاوردهای عظیم انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در گستره جهان، ج ۲، تهران: سازمان ارتباطات فرهنگی، ۱۳۹۰.